

واکاوی چگونگی تبدیل اصفهان صفوی به پیش‌الگوی یک مقصد سفر

صدرالدین طاهری^۱، زهره سلطانمرادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

چکیده

در دوران شاه عباس اول، شمار بسیاری از جهانگردان، بازرگانان، کاوشگران و ماجراجویان جهان به اصفهان سفر کردند. از این رو می‌توان پایتخت آن دوران را، به‌عنوان فضای شهری جمعی باز، پیش‌الگوی موفق برای مقاصد گردشگری جذاب امروزی دانست. در این پژوهش تلاش شده سیاست‌های مدیریتی و اقتصادی آن دوره بررسی شود و تأثیرات این رویکردها در تبدیل اصفهان به مقصد شناخته‌شده سفر در جهان سده هفدهم میلادی آشکار گردد. پژوهش حاضر موردکاوی تاریخی با رویکرد تحلیلی-تفسیری و با هدف توسعه‌ای است که داده‌های کیفی آن با بررسی اسنادی داده‌اندوزی شده است. برپایه بررسی سفرنامه‌های جهانگردان آن دوره، در کنار ارزیابی میزان رضایت و تصویر ذهنی آنان از اصفهان، علل محبوبیت این مقصد را می‌توان بر چهار بنیاد مدیریتی استوار دانست: گسترش و زیباسازی شهر (توسعه برنامه‌محور، تعامل با طبیعت، طراحی حساس به آب، ساخت کاخ‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها و بازارهای باشکوه و...)، دستیابی به مرکزیت اقتصادی (تثبیت فضای سیاسی، نوسازی راه‌ها، فعال‌سازی بنادر، مهار دوجانبه تجارت منطقه‌ای و...)، تأمین زیرساخت‌های لازم در مسیر و مقصد (بازسازی و ایمن‌سازی جاده‌ها، کاستن از دشواری‌ها و مخارج سفر، برگزاری جشن‌ها در ساختار شهری زنده اصفهان و...) و پذیرش غیرایرانیان/ غیرمسلمانان (تبدیل پایتخت به مادرشهری فرامذهبی و چندملیتی، برقراری درست تعاملات میزبان - میهمان و...).

واژه‌های کلیدی: مقصد سفر، گردشگری فرهنگی، شکل‌گیری تصویر مقصد، اصفهان صفوی، شاه عباس اول.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان (s.taheri@au.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینای همدان

مقدمه

گرچه پژوهشگران از زوایای گوناگونی راهکارهای افزایش گردشگران ورودی به ایران را واکاوی کرده و اهمیت این مسئله در شکل‌گیری اقتصادی پایدار و شکوفا را گوشزد کرده‌اند، تاکنون کمتر به فراز و فرودها و تجارب تاریخی در این زمینه پرداخته شده است. در این نوشتار تلاش شده، با تحلیل تأثیر سیاست‌های مدیریتی شاه عباس اول در تبدیل اصفهان به مقصدی جذاب برای مسافران، بخشی از پیشینه دیرپای نیاکانی ایرانیان در توسعه روابط بین‌فرهنگی بازمینی شود و نتایج چنین رویکردی بر رشد اقتصادی کشور آشکار گردد.

در اوج حکومت صفویان، به‌ویژه دوره سلطنت شاه عباس اول (۹۷۸ - ۱۰۳۸ ه.ق.)، تعداد مسافران خارجی به مقصد ایران به علل گوناگونی افزایش می‌یابد. این دوران هم‌زمان است با برگزیدن و گسترش شهر اصفهان به‌عنوان پایتختی دور از مرزهای پرآشوب؛ دورانی که در آن این شهر، در پی کوچ صنعتگران و هنرمندان، اسکان شهروندانی از ادیان و اقوام گوناگون، ساخت‌وسازهای گسترده و ایجاد امنیت برای سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، مرکزی شکوفا و پررونق برای استقرار امپراتوری می‌شود. تختگاه شاه عباس اول با تنوع نژادی و مذهبی کم‌نظیر خود به مادرشهری امن و دارا بدل می‌گردد و دربار صفوی در اصفهان میزبان مذاکرات سیاسی و اقتصادی منطقه می‌شود.

در طی این دوران، شمار بسیاری از بازرگانان، نمایندگان سیاسی، کاوشگران، جهانگردان و ماجراجویان به ایران به‌ویژه اصفهان، تختگاه شکوهمند و رازآمیز صفویان، سفر می‌کنند. اما چگونه شاه عباس اول موفق شد اصفهان را از قریه‌ای دورمانده از جریان توسعه به مقصدی نامدار و جذاب برای جهانگردان بدل سازد؟ رفتار شاه عباس اول چه تفاوتی با پیشینیان خود دارد؟ پس از وی، نوادگانش چگونه با درس نیاموختن از این تجارب مدیریتی سبب افول تمایل برای سفر به ایران و اصفهان می‌شوند؟

بسیاری از جهانگردان اروپایی که در دوره شاه عباس اول به ایران سفر کرده‌اند، پس از بازگشت دست به انتشار سفرنامه خویش به یکی از زبان‌های شاخه لاتین زده‌اند. تحلیل‌ها و توصیفات دقیق و موشکافانه آنان را می‌توان مهم‌ترین منابع دست‌اول برای فهم وضعیت این دوره از دیدگاه ناظران بیرونی دانست. از این جمله می‌توان به لامبر (۱۵۹۸)، دی‌گووا (۱۵۹۸)، برادران شرلی (۱۵۹۹) تا (۱۶۲۷)، مین‌وارینگ (۱۵۹۹ تا ۱۶۰۰)، کارت‌رایت (۱۶۰۰)، دون‌ژوان ایرانی (۱۶۰۰)، میلدن‌هال (۱۶۰۰-۱۶۰۶)، زالون‌کمنز (۱۶۰۲)، تکسیرا (۱۶۰۴)، سیمون (۱۶۰۷)، سالبانک (۱۶۰۹)، سان‌برناردینو (۱۶۱۱)، کروثر (۱۶۱۵ تا ۱۶۱۶)، ستیل (۱۶۱۵ تا ۱۶۱۶)، کوریات (۱۶۱۶)، دلاواله (۱۶۱۶ تا ۱۶۲۳)، فیگوئرا (۱۶۱۸)، هابز (۱۶۱۹ تا ۱۶۲۰)، هم (۱۶۲۳)، هربرت (۱۶۲۷ تا ۱۶۲۸)، پرووینس (۱۶۲۸) و شینون (۱۶۲۸ تا ۱۶۵۰) اشاره کرد (Curzon, 1892: 16-17).

ساختار مدیریتی بنیان‌نهادده شده به دست شاه عباس اول دست‌کم تا چهار دهه پس از مرگ وی

1. C. Lambert, Antonio di Govea, Sir Anthony and Sir Robert Sherley, G. Mainwaring, John Cartwright, Don Juan de Persia, Sir John Mildenhall, S. K. Zalonkemenz, Pedro Teixeira, Pere Paul Simon, Joseph Salbancke, Fray Caspar de San Bernardino, John Crowther, Richard Steele, Thomas Coryate, Pietro della Valle, Don Garcias de Silva y Figueroa, Giles Hobbs, Nicholas Hemm, Sir Thomas Herbert, Pere Pacitique de Provins, Pere Gabriel de Chinon.

پایدار می‌ماند. از این رو در آثار جهانگردانی که در دوره شاه صفی اول و شاه عباس دوم به اصفهان سفر کرده‌اند همچون تاورنیه (۱۶۲۹ تا ۱۶۷۵)، اولناریوس (۱۶۳۷ تا ۱۶۳۸)، تونوت (۱۶۶۴ تا ۱۶۶۷) و شاردن (۱۶۶۵ تا ۱۶۷۷)^۱ نیز می‌توان توصیفات از تداوم شکوه پایتخت صفوی باز یافت.

زاممداری شاه سلیمان اول را می‌توان آغازی برای افول سلسله صفوی دانست. جهانگردانی همچون فرایر (۱۶۷۶ تا ۱۶۷۷)، سانسون (۱۶۸۳)، کمپفر (۱۶۸۴ تا ۱۶۸۸)، کارری (۱۶۹۴)، له‌برون (۱۷۰۳ تا ۱۷۰۴)، کست (۱۸۳۹ تا ۱۸۴۱) و فلاندن (۱۸۳۹ تا ۱۸۴۱)^۲ که در سرایش تاریخی صفویان و بعدها در دوران قاجار از اصفهان بازدید کرده‌اند، اسناد ارزشمندی از رکود اعتبار این مقصد به دست می‌دهند.

بر پایه آمارهای سال ۲۰۱۵، صنعت گردشگری در ایران به طور مستقیم ۴۱۴ هزار شغل ایجاد کرده است (WTTC, 2015). این شمار در سال ۲۰۱۸ به ۵۸۲ هزار شغل رسیده، در حالی که طی همان سال اسپانیا با نیمی از جمعیت ایران توانسته ۲ میلیون و چهارصد هزار شغل در حوزه گردشگری ایجاد کند (Statista, 2018). گرچه گردشگری بومی در ایران یکی از بالاترین نرخ‌ها را در میان کشورهای جهان دارد (Heydari Chianeh, & Zargham, 2016: 491)، مدیریت برای جذب گردشگران بین‌المللی هنوز در حاشیه برنامه‌ریزی‌های توسعه ملی باقی مانده است و صنعت گردشگری ایران نتوانسته پایه پای رقبا را مسلماً دارای تمدن کهن همچون ترکیه یا مصر رشد کند. این کاستی هنگامی پراهمیت‌تر می‌شود که به یاد آوریم ایران دارای ۲۲ مجموعه فرهنگی و ۲ مکان طبیعی ثبت‌شده در فهرست میراث‌های جهانی است (UNESCO, 2019) و گردشگران می‌توانند در این کشور رویارویی با تنوع پر دامنه سنت‌ها و آیین‌های بومی، مکان‌های باستانی و بناهای تاریخی پر شمار، اقلیم‌های گوناگون جغرافیایی و میراث‌های ارزشمند فرهنگی را تجربه کنند.

بدون شک غلبه بر این رکود و دستیابی به جایگاه راستین ایران در میان مقاصد برتر گردشگری در گرو تلاش ما برای بازبینی مسیر طی شده و آموختن از تجارب تاریخی است.

بدیهی است که چهار سده فاصله و توصیفات کیفی شاهدان این پژوهش تاریخی را از دستیابی به آمارهای جزئی و دقیق برای مقایسه نقطه به نقطه تغییرات ناکام می‌گذارد. با وجود این باید به یاد داشت که حتی پژوهش‌های کمی مدرن درباره تصویر مقصد و رضایت گردشگران نیز اغلب کلی‌اند و به رخدادهای جزئی سفر جداگانه نمی‌پردازند، بلکه بر مجموعه کلی تجارب تکیه می‌کنند (See Oxenfeldt, 1974: 8; Oliver, 1980: 460; Pizam & Ellis, 1999: 326; Bigne et al., 2009: 12; Assaker et al., 2011: 890).

مرور ادبیات

بر اساس یکی از قدیمی‌ترین تعاریف مفهومی، گردشگری مجموع روابط و پدیدارهای هم‌بسته با سفر و اقامت غیر ساکنان در یک مکان است، تا جایی که به ماندگاری دائمی منجر نشود و به فعالیتی برای

1. J. B. Tavernier, Adam Olearius, J. de Thevenot, Sir J. Chardin.

2. John Fryer, Pere S. N. Sanson, Engelbert von Kaempfer, Francesco Gemelli Careri, Corneille Le Brun, Pascal Coste, Eugene Napoleon Flandin.

کسب درآمد وابسته نباشد (Hunziker & Krapf, 1942). اما این تعریف و سایر مفاهیم مرتبط با گردشگری در هزارهٔ جدید به‌طور مستمر بازبینی شده است. برپایهٔ یک تعریف عملیاتی، شخصی گردشگر به‌شمار می‌رود که محیط کنونی سکونتش را برای دیدار از فضایی تازه داوطلبانه ترک کند. گردشگر غالباً، براساس فاصلهٔ سکونتگاه اصلی خود با محل بازدید، در کنش‌های گوناگونی مشارکت خواهد کرد (Jafari, 2002). روابط دوسویه میان گردشگران و ساکنان بومی بر نگرش‌ها، توقعات، باورها و سرانجام سبک زندگی هر دو تأثیر می‌گذارد (Sharpley, 2008: 32). گردشگران به مقاصد سفر می‌کنند که به آن دسترسی داشته باشند و در این مقاصد به امکانات مناسبی برای اقامت نیاز دارند (Camilleri, 2018: 3).

مقصد سفر مفهومی اساسی و مهم در دانش گردشگری است. از دیدگاه جغرافیایی، مقصد مکان خاصی است که مسافران یا گردشگران قصد بازدید از آن را دارند. جاذبه‌های طبیعی و انسانی در انتخاب مقصد سفر تأثیر بسزایی دارند (Gunn, 1988: 21). این اصطلاح برای توصیف مکان‌ها به‌کار می‌رود، از فضایی شهری یا طبیعی گرفته تا یک شهر، کشور یا حتی قاره. مرزهای هر مقصد اغلب براساس تقسیم‌بندی‌های سیاسی تعیین می‌شود (Flores & Scott, 2016: 249). رشد مقصدهای محلی به بسیاری از افراد جامعهٔ میزبان سود می‌رساند. این مقصدها در کنار هم شبکه‌ای می‌سازند که به شکل‌گیری مقصدهای بزرگ‌تر می‌انجامد (UNWTO, 2007: 1). هر مقصد سفر برای رسیدن به بلوغ مراحل از رشد را پشت‌سر می‌نهد. پس‌از آن، باید ساختار مقصد پی‌درپی بازسازی شود و گرنه با رکود مواجه خواهد شد (Butler, 1980: 7).

با توجه به تعاریف گفته‌شده، بسیاری از بازدیدکنندگان اصفهان در دورهٔ صفوی گردشگر به‌شمار می‌روند. همچنین می‌توان شهر اصفهان را به‌عنوان یک فضای شهری جمعی باز^۱ پیش‌الگوی موفق برای مقاصد گردشگری جذاب امروزی دانست.

فضای شهری جمعی باز بین ساختمان‌های مسکونی شهر قرار دارد و همهٔ شهروندان بدون محدودیت برپایهٔ اعتقادات و باورها یا موقعیت اجتماعی و اقتصادی خویش بدان دسترسی دارند (Carr et al., 1992: 106; Goheen, 1998: 479). در گذر تاریخ، شهروندان از فضاهای شهری جمعی باز برای حضور در اجتماع، تأمین نیازهای اساسی زندگی، تبادل دانش و اطلاعات، بیان خواسته‌های سیاسی و اجتماعی و قرارگرفتن در جریان کنش‌های عمومی بهره‌گرفته‌اند (Crouch, 1981: 7; Ford, 2000: 36; Mitchell, 2003: 17).

در اینجا برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های همسو با این نوشتار را مرور می‌کنیم: اشراقی (۱۳۵۳) به بررسی تفریحات رایج شهروندان و مسافران در دورهٔ صفوی پرداخته است. مشفق‌فر (۱۳۸۲)، پس از بازبینی سیاست‌های شاهان صفوی برای یافتن هم‌پیمانی در نبرد با عثمانیان، از طرح اتحاد ایران و اروپا در دورهٔ صفوی یاد می‌کند. شهبازی (۱۳۸۳)، با بازخوانی سفرنامه‌ها، وضعیت اقلیت‌های دینی در دورهٔ صفوی را بررسی کرده است. فائدان (۱۳۹۲) سیاست شاه عباس اول در برابر حضور تجاری

1. Urban public open space

اروپاییان در بنادر حاشیه جنوبی ایران را بازبینی کرده است. برای بررسی طرح‌های اجرایی شده توسعه اصفهان در دوره صفوی می‌توان به پژوهش فلاح و شیرازی (۲۰۱۲) مراجعه کرد. تقوی و همکاران (۲۰۱۶) به واکاوی رابطه طراحی شهری در دوره صفوی با زندگی اجتماعی شهروندان پرداخته‌اند. موریسون (۲۰۱۳) برخی راهکارهای مدیریتی و اجرایی را دسته‌بندی کرده که مکانی را به مقصد سفر بدل می‌کنند یا به پایداری و ماندگاری مقصد سفر یاری می‌رسانند. از سوی دیگر، ریچی و همکاران (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که چگونه بحران‌ها سبب رکود و فراموشی یک مقصد سفر می‌شوند.

در برخی پژوهش‌های یادشده بر ارتقا و اعتلای فرهنگ، گشایش‌های اجتماعی و اقتصادی و نیز افزایش ارتباطات بین‌فرهنگی در دوره صفوی، به‌ویژه به دست شاه عباس اول، تأکید شده است. اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور خاص به چگونگی تبدیل پایتخت صفویان به مقصدی برای سفر یا تصویر این مقصد و میزان رضایت گردشگران نپرداخته‌اند. برای فهم این مسئله، در پژوهش حاضر داده‌های دست‌اول ثبت‌شده در بیش از سی سفرنامه اروپایی تحلیل شده تا بتوانیم دریابیم که چرا غیرایرانیان در آن دوران شهر اصفهان را برای سفر برگزیده‌اند.

نتایجی که از بررسی فراز و فرود محبوبیت اصفهان صفوی نزد مسافران غیرایرانی به‌دست خواهد آمد، به سیاست‌گذاری برای رشد مقاصد کنونی گردشگری کشور یاری خواهد رساند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش موردکاوی تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با هدف توسعه‌ای است که داده‌های کیفی آن با بررسی اسنادی (کتابخانه‌ای و اینترنتی) داده‌اندوزی شده است. قلمرو تاریخی پژوهش دوره حکومت شاه عباس اول (۹۷۸ - ۱۰۳۸ ه.ق.) را دربر می‌گیرد و محدوده جغرافیایی آن ایران صفوی (با تأکید بر شهر اصفهان، تختگاه صفویان) است.

در پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی، پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین چگونگی و چرایی مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در این‌گونه پژوهش‌ها می‌توان از روش استقرایی استفاده کرد، بدین‌سان که وقتی ویژگی مشترکی در پدیده‌های گوناگون تکرار و مشاهده شود، می‌توان براساس آن نظریه‌ای ارائه نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۲).

داده‌های لازم برای فهم جایگاه اصفهان صفوی به‌عنوان یک مقصد سفر از بازخوانی اسناد تاریخی گردآوری شده است، به‌ویژه سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی که در این دوره از ایران و اصفهان بازدید کرده‌اند. براین‌اساس می‌توان، همپای بررسی کلی میزان رضایت این مسافران و درک تصویر ذهنی آنان از مقصد اصفهان، علل برگزیدن این مقصد از سوی آنان و رونق‌یافتن آن در این دوران را نیز واکاوی کرد.

واکاوی علل اصلی تبدیل اصفهان به مقصد سفر

سفرنامه‌نویسانی که در جایگاه ناظران بی‌طرف خارجی وضعیت ایران را توصیف نموده‌اند، تحلیل‌های سودمندی از دلایل اوج‌گیری یا افول قدرت مرکزی، شیوه اداره کشور، قوانین مدنی، جایگاه هنر و

معماری، و نیز تفاوت‌های زندگی ایرانیان با مردمان هم‌عصرشان در اروپا به‌جای نهاده‌اند. از لابه‌لای جملات این جهانگردان می‌توان به فهمی نسبی از میزان رضایت آنان پس از بازدید از ایران و تصویر اصفهان به‌عنوان مقصد اصلی سفرشان دست یافت.

رضایت برآمده از قضاوت مشتری درباره‌ی میزان شادی یا خشنودی‌اش از محصول یا خدمت است (Kozak, 2001: 784). پژوهش‌های گوناگونی برای یافتن میزان ارتباط میان رضایت و قصد بازدیدکننده برای برگزیدن مقصد گردشگری انجام شده است. از جمله پژوهش‌های بکر و کرمیتون (2000)، پتریک و همکاران (2001)، یوکسل (2001)، جانگ و فنگ (2007). همه‌ی این پژوهش‌ها با اختلافات اندکی تأثیر مستقیم رضایت بر قصد بازدید را نشان می‌دهند.

تصویر مقصد نمایش ذهنی و درک کلی افراد از دانسته‌ها و احساسات و تأثیراتشان از مقصدی خاص است (Fakeye & Crompton, 1991: 10). تصویر مثبت از هر مقصد تأثیر فزاینده‌ای بر نیت مسافران برای بازدید از آن مقصد در آینده دارد (Court & Lupton, 1997: 35).

در ادامه، با بازخوانی دیدگاه جهانگردان، تلاش خواهیم کرد که چهار سیاست مدیریتی مؤثر در تبدیل اصفهان به مقصد سفر شناخته‌شده در جهان سده‌ی هفدهم را واکاوی کنیم.

– گسترش و زیباسازی شهر

کلید موفقیت مقصد سفر در برقراری رابطه‌ی احساسی میان مقصد و گردشگر نهفته است (Morgan & Pritchard, 2002: 59). از این رو لازم است مقصد در کنار فراهم‌آوردن نیازهای اساسی گردشگر (مثل خوراک و اقامتگاه مناسب) به نیازهای احساسی وی (همچون آرامش، امنیت، خشنودی، بازدید از مکان‌های زیبا و...) نیز پاسخ گوید (Ekinici, 2003: 21).

پس از سقوط سلجوقیان شکوه و عظمت اصفهان نیز به فراموشی سپرده شد. در دوره‌ی ایلخانی برخی از محله‌های درون حصار شهر به مخروبه تبدیل شد (هنرفر، ۱۳۸۹: ۱۱۹). «امیر تیمور گورکان حین نزول به اصفهان شهر را به باد غارت داد و گفته‌اند قریب به هفتاد هزار نفر هلاک شدند و شهر اصفهان به کلی از آن حشمت و ابهت سابق بیفتاد و دیگر هیچ پادشاهی به خیال مرمت حال آن نیفتاد» (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۶). این رکود همچنان تا زمان نشستن عباس اول بر تخت پادشاهی ایران ادامه داشت.

یکی از علل پایداری زیبایی اصفهان را می‌توان توسعه‌ی شهر بر پایه‌ی برنامه‌ریزی پیشین در دهه‌ی نخست استقرار شاه عباس اول دانست. دلاواله (۱۳۴۸: ۳۵)، که در این دوران از اصفهان دیدن کرده، می‌نویسد اگر ساختمان این شهر به اتمام برسد، بسیار بزرگ‌تر و زیباتر از شهرهای قسطنطنیه یا رم خواهد شد؛ زیرا او هیچ شهری را در جهان ندیده که مانند اصفهان با چنین شیوه‌ای از برداشت ساختمانی گسترش یابد.

اسکندربیک ترکمان منشی در وصف ساخت باغ‌شهر اصفهان به دست شاه عباس اول می‌نویسد: «عمارات باصفا و باغات دلگشا به نوعی که طرح کارخانه‌ی ابداع در عرصه‌ی ضمیر مبارک اشرف طرح

افکننده بود اتمام یافت. معمار همت‌والای شاهی به ترتیب و تزیین خطه فرح‌افزای صفهان پرداختند و آن بلده طیبه را از کثرت عمارات و باغات و منازل مرغوب دلگشا و رواق‌ها و منظره‌های بهجت‌افزا مصر جامع ساخته» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۵۵۴). آیت‌الله‌زاده (۱۳۸۲: ۸) ویژگی مهم طراحی صفوی را تعامل شهر با طبیعت می‌داند، به‌گونه‌ای که گویی طبیعت در پیکره شهر ادغام شده است. به باور او (همان: ۳) شهرسازی صفویان منظرگراترین مکتب دوره اسلامی ایران است که هماهنگی موزونی بین شهر و طبیعت برقرار نموده است.

با تطبیق طرح توسعه اصفهان در دوره صفوی با دیدگاه‌های رایج در طراحی شهری معاصر، می‌توان گفت طراحان صفوی گسترش اصفهان را براساس طراحی شهری حساس به آب^۱ برنامه‌ریزی کرده‌اند. در این شیوه، از آب در شکل‌های گوناگون سود برده شده است؛ جاری‌شدن آب از بدنه‌های سخت (آبشار)، جریان آب در مسیرهای آبی، ثبات آن در حوض‌ها و... مجموعه فضای دلپذیری برای شهروندان ایجاد می‌کند (Hoyer et al., 2011: 93). برتری‌دادن به عناصر طبیعی در برابر عناصر مصنوع یکی از عوامل زیبایی فضا در طراحی شهری است که سبب می‌شود شهروندان دلبستگی بیشتری به محیط نشان دهند (Carmona et al., 2003: 131).

ترکیب بخش‌های مصنوع با طبیعت در روند ساخت‌وساز شهری به بهبود فرایندهای اکولوژیکی محیط کمک می‌کند (Vernon & Tiwari, 2009: 790). حضور آب در بافت شهر به توسعه فضاهای باز عمومی و استفاده چندمنظوره از آن‌ها (تفریح و سرگرمی، ورزش در آب و...) می‌انجامد (Langenbach et al., 2008: 7). هنگامی که آب جاری به‌مثابه عنصری دیدنی طراحی و استفاده شود، توجه شهروندان را به خود جلب و آنان را از چرخه طبیعی آب آگاه می‌کند. این افراد اهمیت چرخه آب در مجموعه شهری را درک می‌کنند و به محدودیت‌های آن حساس‌تر می‌شوند (Hoyer et al., 2011: 93).

در کنار فلسفه زیبایی‌شناسانه وجود آب در ساختار شهری، وجود سطوح آب در فضا با توجه به ظرفیت حرارتی زیاد آب و جذب انرژی دریافتی خورشید و نیز ایجاد بروود ناشی از تبخیر آب، به تعدیل هوای اصفهان که در اقلیم گرم و خشک مرکزی ایران قرار گرفته کمک می‌کند (قبادیان، ۱۳۹۲). در بیان هماهنگی آب و معماری و همچنین نقش آب در ایجاد آسایش اقلیمی، جنابادی (۱۳۷۸: ۷۶۲) آورده: «بالجمله آن قطره بی‌نظیر و عدیل مشتمل بر چهل چشمه چون کوثر و سلسبیل و مابین هر دو چشمه در جوف ستون‌ها خانه مربع مشبک احداث یافته که به‌هنگام قلت آب در تابستان معاشران سایر با سایرین معاشر از تاب حرارات آفتاب بدان منازل لطافت‌مآب مکان گرفته از نسیمی که از سطح آب می‌وزد انتفاع می‌یابند».

شاردن (۱۳۵۰: ۱۳۹۴) در توصیف اصفهان می‌گوید آنچه بیشتر از همه نشانگر کمال و زیبایی و منظر دل‌پسند این شهر است، کاخ‌های باشکوه، خانه‌های فرح‌افزا، کاروان‌سراهای وسیع، بازارهای دیدنی و جوی‌های آب روان در خیابان‌ها و کوچه‌هاست. به گزارش فیگوئرا (۱۳۶۳: ۲۱۱-۲۱۲) اگر مهاجرنشین‌ها را که محلات خارج شهرند به آن بیفزاییم، اصفهان از همه شهرهای ایران بزرگ‌تر است

1. Water Sensitive Urban Design.

و با هیچ‌کدام از آن‌ها مقایسه‌شدنی نیست. آنچه در این شهر مطلوب و دیدنی است بناهایی است که شاه فعلی در آن به‌وجود آورده، از جمله میدان، ساختمان‌های تازه کاخ شاهی، مسجدی زیبا و کاروان‌سرای در بازار. شاردن (۱۳۵۰: ۴۹-۶۱) پس از شرح جامعی از مجموعه دولت‌خانه صفوی آن را یکی از بزرگ‌ترین کاخ‌هایی دانسته که ممکن است در پایتختی وجود داشته باشد. بابایی (۲۰۰۸: ۱۱۹) مساحت دولت‌خانه صفوی را حدود ۴۴۰ هزار مترمربع (از غرب میدان نقش‌جهان تا خیابان چهارباغ) تخمین می‌زند.

دلاواله (۱۳۴۸: ۳۷) درباره میدان شاه می‌نویسد: «دورتادور این میدان را ساختمان‌های مساوی و موزون و زیبا فراگرفته که سلسله آن‌ها در هیچ نقطه قطع نشده است. درب‌ها همه بزرگ و دکان‌ها هم‌سطح خیابان‌اند و بالای آن‌ها ایوان‌ها و پنجره‌ها و هزار گونه تزیینات مختلف منظره دلپذیری به‌وجود آورده است. این حفظ تناسب در معماری و ظرافت کار باعث تجلی بیشتر زیبایی میدان می‌شود.» وی از نهر پرآبی که در وسط آن سنگ‌هایی برای رفت‌وآمد پیاده‌ها قرار داده‌اند یاد کرده و می‌نویسد: «بین این نهر و دکان‌ها به خط مستقیم درخت‌های پرشاخ و برگ و یکسان کاشته‌اند که وقتی برگ‌های آن بروید، به نظرم قشنگ‌ترین منظره عالم را شکل خواهد داد» (همان: ۳۸).

به گزارش شاردن (۱۳۵۰: ۳۲)، این میدان یکی از زیباترین میدان‌های جهان است که شکل مستطیل دارد به طول ۴۴۰ قدم و عرض ۱۶۰ قدم. در اطراف میدان دویست اتاق است که همه به یک اندازه و به یک سبک و دوطبقه ساخته شده‌اند. هریک از اتاق‌های رو به میدان ایوانی دارد و جلو آن‌ها طارمی‌هایی است که با آجر و گچ و به رنگ سبز و قرمز ساخته شده و بی‌اندازه خوش‌ساخت به چشم می‌آید. هریک از اتاق‌ها به طرف بازار راه‌هایی دارد که در موقع تابستان بسیار خنک است. سانسون (۱۳۴۶: ۶۸)، پس از توصیف نقش‌جهان که از آن به‌عنوان میدانی عظیم و باشکوه یاد می‌کند، می‌نویسد مدخل مسجد شاه چنان چشمگیر ساخته شده است که تماشای آن ماهرترین معماران اروپا را به شگفتی در می‌آورد.

دلاواله (۱۳۴۸: ۳۰) طول خیابان چهارباغ را دو الی سه میل و عرض آن را دوبرابر پونت‌موله در رم می‌داند و می‌نویسد: «در کنار خیابان، دیوارهای یکسان و منظمی وجود دارد که آن سوی آن‌ها باغ‌های سلطنتی واقع شده و ورود به آن‌ها برای تفرج مردم آزاد است. حوض‌های بزرگی با اشکال مختلف در وسط خیابان قرار گرفته که توسط نهر بزرگی واقع در بستر سنگی مملو از آب می‌شوند. پیاده‌روهای خیابان سنگ‌فرش و برای عبور انسان و اسب بسیار مناسب است و به فاصله چند سنگ‌فرش، در زمین گل‌های مختلف کاشته شده.» به روایت اولناریوس (۱۳۸۵: ۶۱۳)، «آب زاینده‌رود از دو طرف و از وسط به‌وسیله کانال‌های زیرزمینی وارد چهارباغ گردیده و به مصرف آبیاری درختان و گردش در آب‌نماها و فواره‌ها می‌رسد. در طول خیابان‌های باغ تعداد بسیار زیادی درخت چنار کاشته شده که شمار آن‌ها از چند هزار اصله درخت تجاوز می‌کند. افزون‌بر این چنارها، شاه عباس هزاران درخت میوه از نقاط مختلف ایران در این باغ کاشته است که همه آن‌ها به ثمر رسیده‌اند. به‌علاوه چهارباغ موستان بزرگی دارد که انواع مختلف انگور را می‌دهد. موقعی که میوه‌های

درختان چهارباغ رسیدند، هرکس چهار سکه پول مسی بدهد می‌تواند وارد شده و هر قدر که بخواهد از میوه‌های باغ بخورد».

شاردن در این باره می‌نویسد: «این گردشگاه مشجر عمومی اصفهان زیباترین معبری است که من تاکنون دیده و یا شنیده‌ام. طول خیابان سه مایل و دویست پا و عرض آن صد و ده قدم است. لبه‌های نهر آبی که در وسط و در تمام خیابان جاری است از سنگ تراش ساخته شده و پهنای آن به اندازه‌ای است که دو نفر سوار می‌توانند روی آن در هر طرف حرکت کنند. این خیابان به عمارت تفریحی شاه که به مناسبت بزرگی به هزار جریب موسوم است، ختم می‌گردد.» (شاردن، ۱۳۵۰: ۱۵۲۰). کمپفر (۱۳۶۳: ۱۸۸) از فواره‌های آبی که در طول چهارباغ به آسمان می‌جهد یاد کرده که سبب آرامش و لذت بینندگان می‌شوند. او می‌نویسد: «دیگر خیابان‌های شهر نیز مستقیم و گاه به‌طور چشمگیری وسیع هستند و با درخت‌کاری و جوی آب روان به دلپذیرترین شکل ممکن درآمده‌اند؛ زیباترین خیابان‌ها در حومه شهر جدید و در منطقه عباس‌آباد است و بعد از آن در جلفا و در آخر شهر قدیم» (۱۳۶۳: ۱۹۰-۱۹۱).

کمپفر همچنین از قول شهروندان اصفهان می‌نویسد: «مردم مدعی هستند که هوای شهر از زمان شاه عباس به این خوبی و سلامت است و علت هم آن است که شاه خیابان‌های عمومی را مشجر کرد و بزرگان و اعیان به چشم و هم‌چشمی یکدیگر در باغ‌های خود درخت غرس کردند. قبل از آن هوا از بخارهایی که از زمین برمی‌خاست آکنده بود؛ اما اکنون درختکاری باعث شده که این بخارهای نامطبوع ناپود گردد.» (۱۳۶۳: ۱۸۶).

باغ شهر اصفهان حتی پس از گذار صفویان و فروکاسته شدن شکوه شهر نیز توجه جهانگردان را به خود جلب می‌کرده است. کست (۱۳۹۰: ۳۳) نوشته است که یک مسافر از هر سمتی به اصفهان نزدیک شود خیلی زود متوجه وسعت و زیبایی شهر می‌شود، به‌گونه‌ای که در تابستان باغ‌های خارج و داخل شهر همه چیز را در سبزی برگ‌هایشان غرق می‌کنند.

با وجود این، پس از شاه عباس اول بی‌توجهی تدریجی به میدان نقش جهان و ضعف مدیریت شهری موجب قطع بسیاری از درختان و تعفن نهر آب جاری در پیرامون میدان می‌شود (کارری، ۱۳۸۳: ۷۸؛ Le Brun, 1718: 119). فلاندن (۱۳۹۳: ۸۷) که در زمان محمدشاه قاجار به ایران سفر کرده، پس از یادکردن از شهرت پیشین نقش جهان به‌منزله یکی از باشکوه‌ترین میدان‌های دنیا، اشاره می‌کند که بسیاری از چنارها را برای ساختن پایه توب قطع کرده‌اند، چنان‌که هنگام گرمی هوا غیرممکن است بشود از این میدان گذر کرد.

– دست‌یابی به مرکزیت اقتصادی

افرادی که با هدف کار یا تجارت سفر می‌کنند نیز ممکن است به‌عنوان گردشگر به بازدید از جاذبه‌های مقصد یا شرکت در فعالیت‌های تفریحی بپردازند (Camilleri, 2018: 3).

ایران، با ایستادن در میانه مسیر تجاری مهمی که چین، هند و آسیای میانه را به اروپا پیوند

می‌دهد، از دیرباز دارای توان بالقوه‌ای برای جذب بازرگانان و کاروان‌های تجاری بوده است. شاه عباس اول، با فهم مدبرانه این توانمندی جغرافیایی و فراهم‌سازی امنیت در شبکه راه‌های کشور، پایتخت را به شهری پررونق و مرکزی برای تبادلات اقتصادی بدل نمود و شمار بسیاری از مسافران شرقی و غربی را به ایران و اصفهان جذب کرد. فرایر (1698: 339) می‌نویسد پیش از این که اروپاییان راه دریایی تجارت با هند را بیابند، اصفهان انبار و بازار اصلی خریدوفروش پارچه‌های هندی بوده است.

از مهم‌ترین بخش‌های سیاست تجاری مشهور شاه عباس اول، ایجاد شبکه گسترده‌ای از کاروان‌سراها و تضمین امنیت مسیرهای تجاری بود (متی،^۱ ۱۳۸۴: ۸۰). در این دوره اقتصاد و تجارت، چه در مقیاس داخلی (شهری، روستایی و شبانکاره‌ای) و چه در حوزه منطقه‌ای (بازرگانی خارجی)، رویکردی متفاوت را تجربه کرد (فوران،^۲ ۱۳۸۵: ۶۵-۵۱). با نوسازی راه‌های ارتباطی از طریق احداث پل‌ها و کاروان‌سراها، فعال‌سازی بنادر شمالی و جنوبی به‌منظور تجارت دریایی، تثبیت فضای سیاسی و ایجاد امنیت اقتصادی با بازپس‌گیری مناطق تصرف‌شده و نیز در دست‌گرفتن تجارت کالای راهبردی ابریشم با تبدیل املاک ممالیک به خاصه، بستری برای رشد و توسعه همه‌جانبه قدرت صفویان فراهم شد (لمبتون،^۳ ۱۳۷۷: ۲۱۳). به روایت تاورنیه (۱۳۸۹: ۷۵)، شاه عباس اول که نبوغی عظیم داشت و باهمت و جسور بود، چون ارزیابی کرد که ایران کشوری خشک است، مصمم به گسیل اشخاصی به اروپا با ابریشم خام ایران شد و در این راه از وجود ارمنه سود برد. کاراپتیان (۱۳۸۵: ۲۹) یکی از دلایل علاقه وی به ارمنیان ساکن جلفا را برخورداری آن‌ها از شم اقتصادی و تجاری قوی می‌داند.

بخش مهم دیگری از انقلاب اقتصادی شاه عباس اول، ایجاد شهرهای نوین با عملکرد اقتصادی در کنار تجهیز شهرهای توسعه‌یافته بود (کیانی، ۱۳۶۵: ۲۱۰-۲۱۳). وی نظم سپاه و آبادی کشور را در سایه کسب درآمد، افزایش درآمد را در تنظیم و تمرکز مالیات، و وصول مالیات را وابسته به از بین بردن امرا و درباریان یاغی می‌دانست.

سلطنت شاه عباس اول همچنین هنگام اوج‌گیری و شکوفایی هنرهای گوناگون است. با حمایت و تشویق شاه، قالی‌بافی از سطح یک صنعت روستایی تا حد هنری ظریف ارتقا یافت. منسوجاتی که در زمان او در مراکز بزرگ بافندگی اصفهان، یزد، کاشان و رشت تهیه می‌شد، در درخشندگی رنگ و طرح نظیری نداشت. ابریشم، حریر و زربفت‌های ایرانی شهرت یافت. فنون کتاب‌سازی، تذهیب و تصویرنگاری نسخ خطی، خوش‌نویسی و صحافی به اوج خود رسید. سفال‌های صفوی در بازارهای اروپا با تولیدات چین رقابت می‌کرد و عمارت‌ها با کاشی‌های رنگارنگ لعاب‌دار و موزاییک‌های زیبا و بی‌نظیر پوشانده می‌شد (سیوری،^۴ ۱۳۹۴: ۹۲). برجسته‌ترین نمونه‌های معماری و شهرسازی در پایتخت به اجرا درآمد. میدان نقش جهان ساختاری بود که عناصر اصلی قدرت را در قالب کلیتی به‌هم‌پیوسته به نمایش می‌نهاد: کاخ عالی‌قاپو نماد قدرت سیاسی، بازار قیصریه جایگاه تمرکز اقتصاد، مسجد شیخ لطف‌الله همچون مرکز

1. R. Matthee.

2. J. Foran.

3. A. K. S. Lambton.

4. R. Savory.

مذهبی حکومت و مسجد جامع عباسی نمادی از حمایت اجتماعی و مردمی. در ابتدای این دوره کشتی‌های فراوانی برای خرید کالاهای بازرگانی ایران وارد جزیره هرمز می‌شدند. هلندی‌ها مخمل، ابریشم خام، قالی‌های گران‌بها، طلا و نقره از ایران صادر می‌کردند. انگلیسی‌ها دارو، پشم، خرما، اسب و بز از ایران می‌خریدند (Fryer, 1698: 223). بازرگانان فرانسوی نیز، هنگامی که از سود سرشار حاصل از خریدوفروش پارچه‌های ابریشمی کرمان و کاشان و اصفهان آگاه شدند، با ایران روابط تجاری برقرار کردند (کجباف و مرسل‌پور، ۱۳۸۶: ۲۲). شاه عباس مرکز تجاری خلیج فارس را از هرمز به بندرعباس منتقل کرد. کار ساخت و توسعه بندر جدید به سرعت دنبال شد و گمبرون از روستایی ماهیگیری با ۲۰۰ خانوار به پایگاه اقتصادی مهمی با ۱۵۰۰ خانوار از بومی‌ها و خارجیان بدل شد (Floor, 2006: 250). بررسی نقشه‌ها و اسناد تجاری سایکس^۱ (۱۳۶۳: ۳۲۰) که از آن دوران باقی مانده آشکار می‌سازد که بندرعباس دروازه تجارت شرق و غرب و از بنادر مهم خاورزمین بوده است.

روس‌ها نیز به خوبی از امتیازات تجارت با ایران آگاه بودند، از این رو عمده کالاهای خود را به نواحی مازندران، گیلان و شروان می‌فرستادند و خریدهای مطلوبشان نیز از همین مناطق صورت می‌گرفت. در دوره شاه عباس اول چندین سفارت‌خانه با اهداف سیاسی - تجاری میان ایران و روسیه برپا شد. تجار روسی در اصفهان، قزوین و شهرهای شمالی ایران فعال بودند و تعداد زیادی از آن‌ها که در شماخی مهمان‌سرا و کلیسا داشتند، ابریشم و دیگر کالاهای ایران را از راه روسیه به لهستان و آلمان صادر می‌کردند (رنجیر و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۸-۶۱). سفرای دربار تزار روس به اهداف تجاری توجه ویژه‌ای داشتند و غالباً مقداری کالا با خود به اصفهان می‌آوردند و کالاهایی را نیز از این شهر به روسیه می‌بردند (همان: ۶۳).

شاه عباس اول به مهار دوجانبه پرداخت و با اعطای امتیازات به رقبای اروپایی کوشید تا تجارت منطقه را از سلطه و انحصار یک دولت خارج کند (قائدان، ۱۳۹۲: ۱). بدین ترتیب کشورهای متعددی توانستند در شهرهای بندرعباس، شیراز، کرمان و اصفهان، که بر سر راه اصلی عبور کاروان‌ها قرار داشتند، دفاتر بازرگانی تأسیس کنند (احمدی و زارعیان، ۱۳۹۰: ۵۶).

این رونق اقتصادی که نتیجه‌اش نزدیک‌تر شدن ایران به کشورهای همسایه و قلمروهای دوردست‌تری همچون چین و اروپا برای ایفای نقشی فعال در حوزه ارتباطات بین‌المللی بود، پس از شاه عباس اول به تدریج رو به افول نهاد. در دوران کوتاه دوازده‌ساله پس از آغاز حکومت شاه سلیمان، ثروت مملکت به حدود نصف کاهش یافت (شاردن، ۱۳۵۰، ج ۴: ۳۹). بسیاری از ایالت‌ها دچار گرانی، جنگ و بیماری‌های واگیردار بودند و حکام ایالت‌ها، که به صورت خودکامگانی ستمگر درآمدی بودند، به چپاول و غارت رعایا می‌پرداختند (لاکهارت، ۱۳۸۰: ۱۱). به گزارش تاورنیه (۱۳۸۹: ۳۶۲-۳۹۶)، کشاورزی ایران در دوران شاه سلیمان به سبب جنگ‌ها و غارتگری‌های پیاپی افت نمود. فلاندن (۱۳۹۳: ۸۷) اشاره می‌کند که پیش‌تر دورتادور میدان نقش جهان مغازه بوده، لیکن امروز آن شمار به نصف رسیده و

1. Sir P. Sykes.

2. L. Lockhart.

تعداد تجار روزبه‌روز تنزل دارد و اکنون مقدار زیادی از این میدان بایر است.

– تأمین زیرساخت‌های لازم در مسیر و مقصد

هر مقصد گردشگری برای پایدارماندن باید امنیت، آسایش، تفریح و امکانات موردنیاز گردشگر را تأمین کند (Camilleri, 2018: 3).

شاه عباس اول توجه ویژه‌ای به امور جاده‌ها و بناهای میان راه داشت. به دستور وی، در نقاطی از کشور که به سبب نبود زمین سفت حرکت چارپایان و وسایل نقلیه چرخ‌دار دشوار بود راه‌های سنگ‌فرش ساخته شد. در کنار ساخت و بازسازی راه‌ها و تقویت دستگاه راهداری کشور، به احداث بناهای کاروانی نیز اهتمام فراوان ورزیده شد. کاروان‌سراهای مخروبه سراسر کشور مرمت گردید و شمار بسیاری کاروان‌سرا و آب‌انبار جدید نیز در مسیر جاده‌های کشور بنا شد.

عصر صفوی را دوران طلایی ساخت کاروان‌سراهای بزرگ دانسته‌اند (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۲۲). شاه عباس اول به طور خستگی‌ناپذیری ساخت‌وساز می‌کرد و این امر بخش اساسی سیاست وی برای رونق بازرگانی در امپراتوری صفوی بود. بستگان وی، بازرگانان ثروتمند و حکام محلی نیز از این کار او پیروی می‌کردند (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

وجود کاروان‌سراها به‌ویژه برای افراد کم‌درآمدتر بسیار سودمند بود، زیرا می‌توانستند بدون پرداخت پول در آن اقامت گزینند. تونوت و تاورنیه نوشته‌اند که کاروان‌سراهای ایران از همتاهای خود در قلمرو عثمانی خوش‌ساخت‌تر و پاکیزه‌ترند (Savory, 2007: 190). شمار آن‌ها نیز بسیار بیشتر از نمونه‌های موجود در عثمانی یا سرزمین مغولان بوده است (Ferrier, 1996: 31). به باور شاردن (۱۳۵۰: ۱۷۰)، در تمام جهان کشوری مانند ایران برای جهانگردی وجود ندارد، چه از نظر کم‌خطری و امنیت راه‌ها که به‌دقت مراقبت می‌شوند و چه از نظر مخارج اندک سفر که دلیلش کثرت عمارت‌های عمومی ویژه مسافران در شهرها و بیابان‌های سرتاسر امپراتوری است. به گزارش دلاواله (۱۳۴۸: ۲۹)، در اصفهان نیز کاروان‌سراهای بسیاری برای خارجی‌ان وجود دارد که همه بزرگ و دارای ساختمان خوب و تزیینات زیبا هستند.

تونوت و تاورنیه بر سهولت و امنیت سفر در قلمرو ایران صفوی تأکید کرده و ادب و خوش‌خویی مأموران راهداری ایران را ستوده‌اند (Savory, 2007: 191). به روایت تاورنیه (۱۳۸۹: ۶۱۰)، در این جاده‌ها در فاصله‌های معین راهدارانی گماشته بودند که به شنیدن اندک صدایی به کمک مسافران می‌شتافتند و کمال مراقبت و هوشیاری را در کار خود داشتند. دلاواله نیز تحت‌تأثیر برخورد خوب این راهداران با مسافران خارجی قرار گرفته است (Blow, 2009: 210). شرلی (۱۳۷۸: ۶۵) می‌نویسد: «پادشاه ایران از هنگام جلوس خود مملکت را به‌طوری مطیع و امن کرده که شخص می‌تواند در تمام کشور سفر کند، بدون این‌که اسلحه‌ای با خود داشته باشد.»

شاه عباس اول به برگزاری اعیاد و جشن‌ها و سازمان‌دهی شادی و تفریح عمومی اهمیت بسیار می‌داد و اصفهان در آن روزگار طبق نوشتارهای جهانگردان مرکز این جوش‌و‌خروش‌ها بود. در

تشکیلات اداری حکومت صفوی نیز به مناصبی چون ناظر، بیگلربیگی، مشعل‌دارباشی و... برمی‌خوریم که هر یک مسئولیتی در برگزاری جشن‌ها و تفریحات عمومی دارند.

قهوه‌خانه‌ها مهم‌ترین مراکز استراحت و وقت‌گذرانی مردم در روزگار صفوی بود. شاه عباس نیز گاه‌گاه به قهوه‌خانه می‌رفت و با شعرا و هنرمندان هم‌صحبت می‌شد و گاهی سفیران و نمایندگان خارجی را نیز به‌همراه می‌برد. در این مواقع قهوه‌خانه را چراغان می‌کردند. شاه با میهمانان خود به نوشیدن شراب و قهوه و صرف شام می‌پرداخت، درحالی‌که خنیاگران و رقصندگان برای سرگرم کردن حضار هنرنمایی می‌کردند (اشراقی، ۱۳۵۳: ۳۳).

شاه به آذین‌بندی و چراغان و آتش‌بازی علاقه زیادی داشت و هرگاه از سفر موفقیت‌آمیزی باز می‌گشت یا از مهمان بلندمرتبه‌ای پذیرایی می‌کرد، دستور آتش‌بازی می‌داد و اغلب سفیران کشورها و میهمانان خارجی را نیز دعوت می‌کرد. بازی‌های تفریحی و نمایشی در اصفهان رواج فراوانی داشت و مردم را در میدان‌های نمایش گرد هم می‌آورد. مهم‌ترین این نمایش‌ها عبارت بود از چوگان‌بازی، تیراندازی، زوبین‌افکنی، قیق‌اندازی، شمشیربازی، نمایش انتخاب شاطر، شعبده‌بازی، نمایش با حیوانات درنده، بندبازی، کشتی و... (همان: ۳۰).

در این دوره مجموعه‌ای از جشن‌های ملی نیز در ساختار شهری زنده می‌شوند. چهارباغ، پل‌های زیبا و نقش جهان فضای بی‌نظیری برای برگزاری این آیین‌ها فراهم می‌ساخت. برای نمونه، اسکندربیک برگزاری جشن آب‌پاشان را این‌گونه وصف می‌کند: «در اول تحویل سلطان که به عرف اهل عجم و شگون کسری و جم روز آب‌پاشان است، به اتفاق در چهارباغ صفهان تماشای آب‌پاشان فرمودند و در آن روز زیاده از صد هزار نفس از طبقات خلائق و وضع و شریف در خیابان چهارباغ جمع آمده به یکدیگر آب می‌پاشیدند.» (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۳۸).

شاه عباس اول در اعیاد ارمنیان به کلیسا می‌رفت و با آنان به جشن و سرور می‌پرداخت و با بازدید از منطقه جلفا و حضور در منزل بزرگان ارمنه، به صحبت و هم‌نشینی با آنان مشغول می‌شد (فلسفی، ۱۳۹۱: ۲۰۷). او گاه خود در کنار چهل هزار گرجی و ارمنی اصفهان در مراسم خاج‌شویان شرکت می‌کرد (Floor & Herzig, 2015: 483).

- پذیرش غیرایرانیان / غیرمسلمانان

تعاملات میزبان - مهمان برای توسعه پایدار گردشگری حیاتی است و تأثیر عمیقی بر تصویر ذهنی گردشگران از مقصد می‌گذارد (Zhang et al., 2006: 182).

به گزارش اولتاریوس (۱۳۸۵: ۲۴۲) مردمانی از اقوام و ملیت‌های گوناگون مانند هندی‌ها، تاتارها، شاخه‌های گوناگونی از ترک‌ها، یهودی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌ها در اصفهان صفوی سکونت داشتند.

شاردن ایرانیان را متمدن‌ترین ملت شرق و مردمانی درس‌آموخته و خوش‌رفتار می‌داند که از آداب ارتباط اجتماعی به خوبی آگاهی دارند (Ferrier, 1996: 111-113). بخش مهمی از این شیوه رفتار را

می‌توان برآمده از ساخت مدرسه‌های بسیار در دوره شاه عباس اول دانست که پس از وی نیز مورد حمایت حکومت بودند. کمپفر (۱۳۶۳: ۱۹۱) می‌نویسد اصفهان دارای بیش از صد مسجد و مدرسه، یک بیمارستان و تعداد بی‌شماری حمام و مسافرخانه است. وی زیبایی و ویژگی‌های معماری این تأسیسات را ستوده و آن‌ها را از سایر بناهای شهر متمایز می‌داند.

دلاواله (۱۳۴۸: ۲۵) نوشته احترام فوق‌العاده‌ای که در ایران به خارجی‌ها می‌گذارند حیرت‌انگیز است. تاورنیه (۱۳۸۹: ۴۵۴) نیز آورده: «در همه سفرهایم در دربار پادشاه ایران با کمال ملاطفت پذیرفته می‌شدم.» دلاواله (همان) از زبان فرستاده پادشاه اسپانیا به اتفاقی اشاره می‌کند که در ضیافتی به مناسبت ورود یکی از شاهزادگان تاتار رخ داده است. چون شاهزاده مهمان در هنگام کردن چکمه‌ها نمی‌توانسته روی پای خود بایستد، شخص شاه به سمت او دویده و شانه‌های او را گرفته و چون متوجه تعجب راوی شده چنین گفته است: «میهمان حبیب خداست... او میهمان من است و در نظر من مقامی از این والاتر نمی‌تواند داشته باشد.»

در گزارش کمپفر (۱۳۶۳: ۲۱۵) می‌خوانیم که شاه صفوی تعداد زیادی تفرجگاه در خارج شهر دارد که در آن‌ها برای مهمانان و ملاقات‌کنندگان بناهایی برپا کرده است؛ از جمله باغ قوشخانه طوقچی، باغ کمک، باغ یاران، باغ قل پادشاه، باغ سعادت‌آباد، باغ چال‌عراق و باغ هزارجریب. تاورنیه (۱۳۸۹: ۳۹۶) پس از اشاره به حساسیت بسیار شدید شاه در باب رعایت قوانین تقسیم آب می‌نویسد: «دو اروپایی را می‌شناختم که قبل از نوبت آبشان شبانه جسارت کرده آب را به نهر خود برگردانده بودند که نزدیک بود خانه و ملکشان ضبط شود و اگر مرحمت مخصوصی که شاه نسبت به اروپایی‌ها به‌ویژه فرانسوی‌ها دارد شامل حالشان نشده بود، قطعاً به این خسارت دچار می‌شدند. باوجوداین، مجبور شدند که مبلغ گزافی جریمه بدهند.»

در میان اروپاییان سفرکرده به ایران در این دوره عده‌ای سِمَتِ مبلّغ و کشیش دیانت مسیح را داشتند که در جمع هیئت‌های سیاسی و تجاری به ایران سفر می‌کردند (نوایی، ۱۳۷۲: ۱۶). شاردن (۱۳۵۰، ج ۴: ۱۵۱۵) می‌نویسد محل اقامت اگوستین‌ها، نخستین کشیشان اروپایی مستقر در ایران، یکی از قصرهای سلطنتی اصفهان است. ایشان، افزون بر اجازه اقامت، تقاضای نمازخانه و خانه‌ای را داشتند که قصر سلطنتی مذکور در اختیار آنان قرار گرفت.

شاه عباس اول فضای مناسبی برای اقامت امن مسیحیان، کلیمیان، زرتشتیان و هندوان در اصفهان مهیا کرده بود که تختگاه او را به مادرشهری فرامذهبی و چندملیتی بدل می‌ساخت. این رواداری سیاسی را دلاواله (۱۳۴۸: ۴۳) چنین وصف می‌کند: «تمام اقوام خارجی، از هر کشور یا مذهبی که باشند، طبق قوانین خاص خود زندگی می‌کنند و برای هر گروه محل سکونت جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است. هر قومی در امور مدنی و جزایی نوع قضاوت مخصوص به خود را دارد که قضات شاه در آن دخالتی نمی‌کنند.»

در بخشی از فرمان‌های حکومتی صادرشده در باب آرامنه در دوره صفوی آمده است که کارگزاران محلی از دخالت در امور کلیسای ارمنی خودداری کنند. همچنین اگر بین ارمنیان دعوا یا گفت‌وگوی

شرعی مطرح می‌شد برای حل اختلاف و قضاوت می‌توانستند به کشیشان خود رجوع کنند و به مسلمانان توصیه شده بود در این باب نه دخالتی در امور ارمنیان داشته باشند و نه مزاحمتی برای آنان ایجاد کنند (پاپازیان، ۱۹۵۹: ۵۶۰). گزارش مسیحیان کرملی در دوره صفویه نشان می‌دهد که در مواقع ارتکاب جرم ازسوی افراد این اقلیت همان‌گونه با آنان رفتار می‌شد که با مجرمی از عموم جامعه (ستوده و افشار، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

شاه عباس اول که به کاشت نهال علاقه وافری داشت، پس از کوچ آرامنه به اصفهان متوجه شد که آنان درختچه‌ها را می‌کنند و در باغچه خانه‌هایشان می‌کارند؛ ازاین‌رو دستور داد نهال‌های بیشتری بکارند و اجازه دهند آرامنه نهال‌ها را با خودشان ببرند (درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۵۸). شاه، با تدبیر سیاست‌های اقتصادی و تخفیف امتیازات مالیاتی به بازرگانان و نیز دادن حق انتخاب شهردار از ملیت خودشان، آرامنه را به جامعه‌ای خودمختار بدل ساخت (سیوری، ۱۳۹۴: ۹۵-۱۰۰؛ فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۲۰). ارمنیان در اثر تجارت با اروپا به ثروت فراوانی دست یافتند. یکی از ثروتمندترین خانواده‌های ارمنی جلفا خانواده شری‌مانیان بود. پدر روحانی، الیاس دو سنت آلبر، در نامه‌ای به انجمن مقدس در رم بیان کرده که این خانواده در اصفهان پنجاه نفر خدمتکار دارند و صد نفر در امور مربوط به دادوستد و تجارتشان کار می‌کنند، سرمایه فراوانی در خارج از کشور دارند و مبلغ ۲۰۰ هزار سکه طلا به ونیز منتقل کرده‌اند (Chick, 2012: 485).

زرتشتیان نیز، به‌منزله باسابقه‌ترین اقلیت دینی ایران، در دوره صفوی، با در نظر گرفتن ضوابط حاکم بر گروه‌های اقلیت، از حقوقی مشابه دیگران برخوردار بودند. آزادی مذهبی زرتشتیان در دوره صفوی از چندین وجه دریافت می‌شود: داشتن آتشکده فعال، برگزاری مراسم مذهبی خاص، انجام آداب و تشریفات قومی و مذهبی، نبود اجبار به داشتن نشانه‌ای ویژه برای تفکیک از دیگران، داشتن گورستان اختصاصی، و آزادی زنان زرتشتی برای ورود به کوچه و خیابان با سر و روی باز (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۱). همچنین یهودیان اصفهان در کوی ویژه خود سه باب کنیسه دایر داشته‌اند (شاردن، ۱۳۵۰، ج ۷: ۲۲۱). در این دوره، گرجیان و ارمنی‌ها و چرکس‌ها به بالاترین مقامات کشوری منسوب شدند (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۷) و حتی برخی از ایالات همچون فارس، شروان و قراباغ تحت نظارت حکمرانان گرجی اداره می‌شد (Alonso, 1978: 56). نمونه بارز آن الله‌وردی خان گرجی بود که نه تنها مقام قوللرآقاسی یا فرماندهی هنگ‌های غلامان - یکی از پنج مقام عمده کشور در آن دوره - را برعهده داشت، بلکه حکمران ولایت ثروتمند فارس نیز بود.

اقلیت‌های مذهبی پس از شاه عباس اول زندگی سختی را گذراندند. به گزارش کمپفر (۱۳۶۳: ۲۱۸)، شاه عباس دوم گورستان زرتشتیان را با گلوله توپ ویران کرد، زیرا نمی‌خواست ناظر اجرای مناسک غیراسلامی در نزدیکی باغ هزارجریب باشد. شاه سلطان حسین فرمان اسلام آوردن اجباری زرتشتیان را صادر کرد و بسیاری از آنان را که از این تصمیم روی گرداندند به قتل رساند (بویس، ۱۳۸۷: ۲۷۹).

افزایش آزار مذهبی پس از شاه عباس اول گریبانگیر آرامنه نیز شد که این امر تأثیر بدی بر صادرات ابریشم نهاد (فراپر، ۱۶۹۸: ۸). شاه سلطان حسین فرمان داد که آرامنه باید با لباس‌های

مخصوص در جامعه رفت‌وآمد کنند و شغل‌های پستی را برعهده گیرند (نویسی، ۱۳۶۳: ۱۴۷). تصمیمات وی اغلب متأثر از محمدباقر مجلسی روحانی قدرتمند مخالف مسیحیان بود (سانسون، ۱۳۴۶: ۲۱). تعقیب اقلیت‌های دینی در این دوره به جایی رسید که بزرگان آرامنه به زندان افتادند و کلیسای جلفا مجبور به پرداخت جزیه شد. برخی از رؤسای مذهبی کلیمیان در اصفهان نیز، در پی فرمانی که شاه سلیمان به هنگام مستی امضا کرده بود، به قتل رسیدند (میراحمدی، ۱۳۶۳: ۶۰). یکی از پیامدهای مهم این افول مدیریتی، که در نهایت به سقوط سلسله صفوی انجامید، کاهش تمایل جهانگردان برای سفر به اصفهان و رکود این مقصد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

صنعت گردشگری ایران هنوز نتوانسته پایه‌های رقبای منطقه‌ای خود گسترش یابد. غلبه بر این رکود و دستیابی به جایگاه راستین ایران در میان مقاصد برتر گردشگری جهان، در گرو تلاش برای درس‌آموختن از تجارب تاریخی است.

در این نوشتار تلاش شده، با بررسی تأثیر سیاست‌های مدیریتی شاه عباس اول در تبدیل اصفهان به یک مقصد جذاب سفر، نتایج این رویکرد بر رشد اقتصادی کشور آشکار شود. شاه عباس اول، پس از غلبه بر آشوب‌های داخلی و عقب‌راندن دشمنان خارجی، تختگاه تازه‌اش را به مرکزی شکوفا و پررونق برای استقرار امپراتوری و میزبانی از مذاکرات سیاسی و اقتصادی منطقه بدل ساخت. طی دوران سلطنت او، شمار بسیاری از جهانگردان، بازرگانان، نمایندگان سیاسی، کاوشگران و ماجراجویان به اصفهان سفر کردند که توصیفات موشکافانه آنان را می‌توان از مهم‌ترین منابع دست‌اول برای فهم وضعیت این دوره از دیدگاه ناظران بیرونی دانست.

اصفهان صفوی را، به‌عنوان یک فضای شهری جمعی باز، می‌توان پیش‌الگوی موفق برای مقاصد گردشگری جذاب امروزی دانست. نوشتارهای جهانگردان آن دوره میزان رضایت و تصویر ذهنی آنان را از مقصد اصفهان مشخص می‌سازد. برپایه داده‌های تحلیل‌شده، تبدیل اصفهان به یک مقصد سفر شناخته‌شده در جهان سده هفدهم بر چهار بنیاد مدیریتی زیر استوار است:

۱. گسترش و زیباسازی شهر: توسعه برپایه برنامه‌ریزی پیشین، اسکان صنعتگران، اهالی فنون و هنرمندان، منظرگرایی و ایجاد تعامل میان شهر با طبیعت، طراحی شهری حساس به آب، ساخت کاخ‌های باشکوه و بازارهای دیدنی، تبدیل نقش جهان به یکی از زیباترین میدان‌های جهان، ساخت چهارباغ به‌عنوان یک گردشگاه مشجر عمومی و...

۲. دستیابی به مرکزیت اقتصادی: تثبیت فضای سیاسی و برقراری امنیت برای سرمایه‌های انسانی، نوسازی راه‌های ارتباطی، فعال‌سازی بنادر شمالی و جنوبی برای رونق تجارت دریایی، در دست گرفتن تجارت کالای راهبردی ابریشم با یاری گرفتن از ارمنیان، ایجاد شهرهای نوبنیاد با عملکرد اقتصادی در کنار تجهیز شهرهای توسعه‌یافته پیشین، کمک به اوج‌گیری و شکوفایی هنرهای گوناگون، مهار دوجانبه تجارت منطقه‌ای با جلوگیری از انحصارطلبی رقبا و...

۳. تأمین زیرساخت‌های لازم در مسیر و مقصد: بازسازی راه‌ها و تقویت دستگاہ راهداری، ساخت کاروان‌سراها و پل‌ها و آب‌انبارهای جدید، برقراری امنیت در شبکه جاده‌های کشور، کاستن از دشواری‌ها و مخارج سفر، برگزاری جشن‌ها و سازمان‌دهی به شادی عمومی، اجرای بازی‌های تفریحی و نمایشی و جشن‌های ملی اقوام ساکن در ساختار شهری زنده اصفهان و... .

۴. پذیرش غیرایرانیان/ غیرمسلمانان: اسکان شهروندانی از ادیان و اقوام گوناگون و تبدیل پایتخت به مادرشهری فرامذهبی و چندملیتی، برقراری درست تعاملات میزبان - میهمان، احترام‌نهادن به غیرایرانیان، سپردن شماری از مقامات کشوری به گرجی‌ها و ارمنی‌ها و چرکس‌ها و... .

پس از شاه عباس اول، با سست شدن بنیادهای چهارگانه یادشده، جایگاه اصفهان به‌منزله مقصدی جذاب برای مسافران به‌تدریج رو به افول نهاد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی چگونگی رکود این مقصد مورد واکاوی گسترده‌تری قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود بهره‌گیری از تجارب سایر دوره‌های تاریخی برای دستیابی دوباره به مکان نخست در میان مقاصد گردشگری منطقه موضوع پژوهش‌های مستقل دیگری در این حوزه باشد.



منابع

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۸۲). «ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان در شهرموزه نقش جهان». اثر، شماره ۳۵، ص ۳-۲۳.
- احمدی، نزهت و زارعیان جهرمی، زهرا (۱۳۹۰). «بررسی شیوه تجارت کمپانی‌های هند شرقی و تأثیر آن بر تجارت دریایی خلیج فارس در عصر صفویه». سخن تاریخ، سال پنجم، شماره ۱۴، ص ۸۷-۵۵.
- اشراقی، احسان (۱۳۵۳). «اشاره‌ای به تفریحات و نظام تفریحی دوران صفویه». هنر و مردم، شماره ۱۴۰ و ۱۴۱، ص ۳۵-۲۸.
- الاصفهان، محمد مهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸). *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۸۵). *سفرنامه آدام اولتاریوس؛ ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی*. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار نو.
- بویس، مری (۱۳۸۷)، *آیین زردشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش*. ترجمه ابوالحسین تهامی، تهران: نگاه.
- پاپازیان، هاگوب (۱۹۵۹). *متن فرامین فارسی (ماتناداران)*. ایروان: آکادمی علوم ارمنستان.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۹). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. تهران: کتابخانه سنایی.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۵۰). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۰). «بررسی حجاب و نوع پوشش زنان زرتشتی در ایران عصر صفوی». *تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۳، ص ۴۳-۲۳.
- جنابدی، میرزابیک (۱۳۷۸). *روضه‌الصفویه*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹). *تاریخ جلفای اصفهان*. ترجمه لئون میناسیان و موسوی فریدنی. اصفهان: زنده‌رود.
- دلواله، پیتر (۱۳۴۸). *سفرنامه دلواله*. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رنجبر، محمدعلی، توکلین، علی و موسوی، احمد (۱۳۹۱). «روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه». *تاریخ روابط خارجی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ص ۷۸-۵۷.
- سانسون، پی. اس. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون*. ترجمه تقی تفضلی. تهران: ابن‌سینا.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). *هشت هزار مایل در ایران*. ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: لوحه.
- ستوده، منوچهر و افشار، ایرج (۱۳۸۳). *اسناد پادریان کرملی*. تهران: میراث مکتوب.
- سیوری، راجر (۱۳۹۴). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰). *سیاحت‌نامه شاردن*. ده جلد، ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- شرلی، آنتونی (۱۳۷۸). *سفرنامه برادران شرلی*. ترجمه آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: به‌دید.
- شهبازی، فرزانه (۱۳۸۳). *بررسی فرهنگ دینی مردم در سفرنامه‌های عصر صفویه*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشگاه الزهرا.
- فلاندن، اوژن (۱۳۹۳). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران؛ تصویری از ایران دوران قاجار*. ترجمه عباس آگاهی. تهران: نقش‌مانا.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۹۱). *زندگانی شاه عباس اول*. تهران: نگاه.
- فوران، جان (۱۳۸۵). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب*. ترجمه

- احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- قائدان، اصغر (۱۳۹۲). «سیاست شاه عباس اول در قبال تجارت اروپاییان در بنادر جنوبی ایران». *تاریخ روابط خارجی*، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۱۸۱-۱۸۰.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۲). *بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاراپنتیان، کارایت (۱۳۸۵). *خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان*. ترجمه مریم قاسمی سیچانی. تهران: فرهنگستان هنر.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی (۱۳۸۳). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نخجوانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- کجباف، علی اکبر، محسن مرسل پور (۱۳۸۶). «بررسی دلایل و عوامل توسعه نیافتن روابط ایران و فرانسه در دوره صفویه». *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۳۱، ص ۴۲-۱۵.
- کست، پاسکال (۱۳۹۰). *بناهای دوره اسلامی ایران از آغاز تا ۱۲۱۸ شمسی*، ترجمه آتوسا مهرتاش، تهران: مؤسسه تألیف.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵). *نظری اجمالی بر شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کیانی، محمدیوسف و کلایس، ولفرام (۱۳۷۳). *فهرست کاروان‌سراها ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۰). *انقراض سلسله صفویه*. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، کاترین سینفورد (۱۳۷۷). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- متی، رودی (۱۳۸۴). «تجار در عصر صفوی؛ شرکا و دیدگاه‌ها». ترجمه حسن زندیه. *نامه تاریخ پژوهان*، شماره اول، ص ۹۸-۷۹.
- مشفق‌فر، ابراهیم (۱۳۸۲). «طرح اتحاد ایران و اروپا در دوره صفوی». *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۱۷، ص ۲۳-۵.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۳). *دین و مذهب در عصر صفوی*. تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۳۴). *سازمان اداری حکومت صفوی، با تحقیقات و حواشی و تعلیقات بر تذکره الملوک*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انجمن کتاب.
- نویبی، عبدالحسین (۱۳۶۳). *اسناد و مکاتبات از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نویبی، عبدالحسین (۱۳۷۲). *روابط سیاسی ایران و اروپا*. تهران: ویسمن.
- هنر فر، لطف‌الله (۱۳۸۹). *اصفهان*. تهران: علمی و فرهنگی.

Alonso, Carlo (1978). *Misioneros Agustinos en Georgia (siglo XVII)*. Valladolid: Estudio Agustiniano.

Assaker, G., Vinzi, V. E., & O'Connor, P. (2011). "Examining the effect of novelty seeking, satisfaction and destination image on tourists' return pattern: A two factor, non-linear latent growth model". *Tourism Management*, 32(4), 890-901.

Babaie, Susan (2008). *Isfahan and Its Palaces Statecraft, Shi'ism and the Architecture of Conviviality Early Modern Iran*, Edinburgh: Edinburgh University.

Baker, D. A., & Crompton, J. L. (2000). "Quality, satisfaction, and behavior intentions". *Annals of Tourism Research*, 27(3), 785-804.

Bigne, J., Sanchez I., & Andreu, L. (2009). "The role of variety seeking in short and long

- run revisit intentions in holiday destinations". *International Journal of Culture, Tourism and Hospitality Research*, 3(2), 103-115.
- Blow, David (2009). *Shah Abbas: The Ruthless King Who Became an Iranian Legend*. London: I. B. Tauris.
- Butler, R. W. (1980) "The Concept of a Tourist Area Cycle of Evolution: Implications for Management of Resources". *Canadian Geographer*, 24(1), 7-14.
- Camilleri, M. A. (2018). "The Tourism Industry: An Overview". In *Travel Marketing, Tourism Economics and the Airline Product, An Introduction to Theory and Practice*. Milan: Springer Nature.
- Carmona, M., Heath, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places Urban Spaces, The Dimensions of Urban Design*. Hudson: Architectural Press.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G. and Stone, A. M. (1992). *Public Space*. Cambridge: Cambridge University press.
- Chick, H. (2012). *A Chronicle of the Carmelites in Persia: The Safavids and the Papal Mission of the 17th and 18th Centuries*. London: I.B.Tauris.
- Court, B., & Lupton, R.A. (1997). "Customer portfolio development: modelling destination adopters, inactives and rejecters". *Journal of Travel Research*, 36(1), 35-43.
- Crouch, D. P. (1981). "The historical development of urban open space". In L. Taylor (Ed.), *Urban Open Spaces*. New York: Rizzoli.
- Curzon, George N. (1892). *Persia and the Persian Question*, London: Longmans, Green and Co.
- Ekinci, Y. (2003). "From destination image to destination branding: an emerging area of research". *E-Review of Tourism Research*, 1, 21-24.
- Fakeye, P. C., & Crompton, J. L. (1991). "Image differences between prospective, ifrs time, and repeat visitors to the Lower Rio Grande Valley". *Journal of Travel Research*, 30(2), 10-16.
- Falahat S., & Shirazi M. R. (2012). "New Urban Developments in Safavid Isfahan, Continuity or disjuncture?". *Planning Perspectives*, 27(4), 611-624.
- Ferrier, Ronald W. (1996). *A journey to Persia: Jean Chardin's Portrait of a Seventeenth-century Empire*. London: I. B. Tauris.
- Floor, Willem M. (2006). *The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities 1500-1730*. Odenton: Mage publisher.
- Floor, Willem M., & Herzog, Edmund (2015). *Iran and the World in the Safavid Age*. London: I.B.Tauris.
- Flores, Adao & Scott, Noel (2016). "Destination". In Jafar Jafari & Honggen Xiao (Eds.). *Encyclopedia of Tourism*. Cham: Springer.
- Ford, L. R. (2000). *The Spaces between Buildings*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Fryer, John (1698). *A New Account of East India and Persia*. London.
- Goheen, P. G. (1998). "Public space and the geography of the modern city". *Progress in Human Geography*, 22(4), 479-496.
- Gunn, C. (1988). *Tourism Planning*. New York: Taylor and Francis.
- Heydari Chianeh, Rahim, & Zargham, Hamid (2016). "Iran". In Jafar Jafari & Honggen Xiao (Eds.). *Encyclopedia of Tourism*, Cham: Springer.
- Hoyer, J., Dickhaut, W., Kronawitter, L., & Weber, B. (2011). *Water Sensitive Urban Principles and Inspiration for Sustainable Stormwater Management in the City of the Future*. Berlin: Jovis Verlag.
- Hunziker, W., & Krapf, K. (1942). *Allgemeine Fremdenverkehrslehre*. Zurich: Polyg Verlag.
- Jafari, Jafar (2002). *Encyclopedia of tourism*. London: Routledge.

- Jang, S., & Feng, R. (2007). "Temporal destination revisit intention: the effects of novelty seeking and satisfaction". *Tourism Management*, 28(2), 580-590.
- Kozak, M. (2001). "Repeaters' behavior at two distinct destinations". *Annals of Tourism Research*, 28(3), 784-807.
- Langenbach, H., Eckart, J., & Schroder, G. (2008). *Water Sensitive Urban Design, Results and Principles*. Hamburg: HafenCity University.
- Le Brun, Corneille (1718). *Voyages De Corneille Le Brun Par La Moscovie, En Perse, Et Aux Indes Orientales*. Amsterdam: Chez les frères Wetstein.
- Mitchell, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: The Guilford Press.
- Morgan, N., & Pritchard, A. (2002). "Meeting the destination branding challenge". In N. Morgan, A. Pritchard, & R. Pride (Eds.). *Destination branding: Creating the Unique Destination Proposition*. Oxford: Butterworth-Heinemann.
- Morrison, A. (2013). *Marketing and Managing Tourism Destinations*. Oxon: Routledge.
- Oliver, R. L. (1980). "A cognitive model of the antecedents and consequences of satisfaction decisions". *Journal of Marketing Research*, 17(4), 460-469.
- Oxenfeldt, Z. (1974). "Developing a favourable price-quality image". *Journal of Retailing*, 51(4), 8-14.
- Petrick, J. F., Morais, D. D., & Norman, W. (2001). "An examination of the determinants of entertainment vacationers' intentions to revisit". *Journal of Travel Research*, 40, 41-48.
- Pizam, A., & Ellis, T. (1999). "Customer satisfaction and its measurement in hospitality enterprises". *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 11 (7), 326-339.
- Ritchie, B., Crotts, J., Zehrer, A., & Volsky, G. (2014). "Understanding the Effects of a Tourism Crisis: The Impact of the BP Oil Spill on Regional Lodging Demand". *Journal of Travel Research*, 53(1), 12-25.
- Savory, Roger (2007). *Iran under the Safavids, The Cambridge History of Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sharpley, R. (2008). *Tourism, Tourists and Society*. London: Routledge.
- Statista (2018). "Direct contribution from tourism and travel to employment in Iran from 2012 to 2028". www.statista.com.
- Taghavi, A., Hashemi Zarjabad, H., & Asgari Veshareh, M. (2016). "An Overview on the basis of Urban Planning and Social Life of Safavid Cities". *Humanities*, 23(3), 1-13.
- UNESCO World Heritage Centre (2019). whc.unesco.org.
- UNWTO (2007). *A Practical Guide to Tourism Destination Management*. Madrid: World Tourism Organization.
- Vernon, B., & Tiwari, R. (2009). "Place Making through Water Sensitive Urban Design". *Journal of Sustainability*, 1(4), 789-814.
- WTTC (2015). *World Travel and Tourism Economic Impact: Iran*. London: World Travel and Tourism Council.
- Yuksel, A. (2001). "Managing customer satisfaction and retention: A case of tourist destinations, Turkey". *Journal of Vacation Marketing*, 7(2), 153-168.
- Zhang, J., Inbakaran, R. J., & Jackson, M. S. (2006). "Understanding community attitudes towards tourism and host-guest interaction in the urban-rural border region". *Tourism Geographies*, 8(2), 182-204.